



یونان باستان

از ماقبل تاریخ تا دوران هلنیستی

نویسنده: توماس آر. ماروتین

مترجم: دکتر محمد ملکی



یونان باستان

از ماقبل تاریخ تا دوران هلنیستی

توماس آر. مارتین

ترجمه دکتر محمد ملکی

انتشارات شفیعی

۱۴۰۱

سرشناسه	: مارتین، تامس آر، ۱۹۴۷-م. -Martin, Thomas R., 1947
عنوان و نام پدیدآور	: یونان باستان: از ماقبل تاریخ تا دوران هلنیستی / توماس آر. مارتین؛ ترجمه محمد ملکی؛ ویراستار زهرا ملکی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات شفیعی، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۲ ص.: مصور، نقشه؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-5926-06-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Ancient Greece : from prehistoric to Hellenistic times, 2nd ed, 2013.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۶۳۲ - ۶۶۹.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: یونان -- تاریخ -- از آغاز تا ۱۴۶ق.م. Greece -- History -- To 146 B. C
شناسه افزوده	: ملکی، محمد، ۱۳۵۹-، مترجم
شناسه افزوده	: ملکی، زهرا، ۱۳۶۴-، ویراستار
زده بندی کنگره	: VVDF
زده بندی دیویی	: ۹۳۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۰۰۴۸۷۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

یونان باستان

از ماقبل تاریخ تا دوران هلنیستی

نویسنده: توماس آر. مارتین

مترجم: دکتر محمد ملکی

ویراستار: زهرا ملکی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

چاپ و صحافی: نقشینه

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۹۲۶-۰۶-۶

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است.

انتشارات شفیعی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت،

شماره ۶۵، طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

(این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است)

با کمال خضوع و خشوع تقدیم می شود به:

اولین و بزرگترین استادم، پدرم زنده یاد حاج عبدالعلی ملکی
بزرگ بانوی قهرمان زندگی من، مادرم زنده یاد مروارید ملکی
و زیباترین اتفاق زندگی ام، دخترم آوا

فهرست

۹.....	دییاجه مترجم.....
۱۱.....	اختصارات.....
۱۳.....	فصل ۱ پیشینه تاریخ یونان باستان.....
۱۹.....	منابع و شواهد.....
۲۵.....	محیط فیزیکی یونان.....
۳۱.....	کشاورزی پیش از ما قبل تاریخ.....
۳۳.....	دگرگونی زندگی روزمره در عصر نوسنگی.....
۴۰.....	تبیین تغییر تکنولوژیک.....
۴۳.....	فصل ۲ از هندواروپاییها تا میسنیها.....
۴۴.....	ریشههای هند و اروپایی و شرق نزدیک.....
۵۲.....	تمدنهای عصر برنز اروپا.....
۵۵.....	اجتماع کاخ کرت مینوی.....
۵۹.....	تماس مینوی با یونان میسنی.....
۶۴.....	نقطه مرتفع جامعه میسنی.....
۶۷.....	پایان تمدن میسنی.....
۷۷.....	فصل ۳ عصر تاریکی.....
۷۹.....	اقتصاد و جامعه در اوایل عصر تاریک.....
۸۴.....	بازایی اقتصادی و فناوری.....
۸۷.....	ارزشهای اجتماعی نخبگان یونانی.....

۹۵	بازیهای المپیک و پانهلنیسم
۹۷	دین و اسطوره
۱۰۳	فصل ۴ عصر کهن
۱۰۵	ویژگیهای دولتشهر
۱۰۹	استعمار اولیه یونان
۱۱۵	اثرات تماس با مردمان دیگر
۱۱۹	ساختار دولتشهر
۱۲۲	فقرا و شهروندی
۱۲۹	بردهداری مالکیت شخصی
۱۳۴	خانواده و ازدواج
۱۳۹	فصل ۵ الیگارشی، استبداد و دموکراسی
۱۴۲	اسپارت اولیه
۱۴۷	همسایهها و بردگان اسپارتی
۱۵۱	روش زندگی اسپارتیان
۱۵۶	ظهور مستبدان
۱۶۰	توسعه سیاسی آتن
۱۶۵	اصلاحات سولون
۱۶۸	از استبداد تا سازماندهی مجدد دموکراتیک
۱۷۳	ادبیات جدید و تفکر جدید
۱۸۱	فصل ۶ از جنگهای پارسی تا امپراتوری آتنی
۱۸۳	مناقشه بین نابرابرها
۱۸۹	آغاز جنگ
۱۹۵	تهاجم پارسی در مقیاس کامل
۲۰۳	تأسیس امپراتوری آتنی

اصلاحات دموکراتیک سیستم عدالت آتن	۲۰۹
رهبری پریکلس	۲۱۵
آتن مرفه	۲۲۱
به نمایندگی از بدن	۲۲۸
فصل ۷ فرهنگ و جامعه در آتن کلاسیک	۲۳۳
دین یونانی کلاسیک	۲۳۵
درام تراژیک و زندگی عمومی	۲۴۴
زندگی آتنی برای زنان	۲۵۳
آموزش برای زندگی عمومی	۲۶۱
تاثیر ایده‌های جدید	۲۶۶
فصل ۸ جنگ پلوپونز و پیامدهای آن در آتن	۲۷۳
علل جنگ پلوپونز	۲۷۶
استراتژی پریکلین	۲۸۱
فاجعه غیر قابل پیشبینی	۲۸۵
یک صلح مبارز	۲۸۹
اردو کشی سیسیلی	۲۹۲
ده سال دیگر از جنگ	۲۹۵
سختی و کم‌دی در زمان جنگ آتن	۳۰۱
جامعه آتنی پس از جنگ	۳۰۸
حرفه سقراط	۳۱۲
محاكمه و اعدام سقراط	۳۱۶
فصل ۹ از جنگ پلوپونزی تا اسکندر مقدونی	۳۲۳
درگیری بعد از جنگ	۳۲۶
حرفه افلاطون	۳۳۱

۳۳۹	علم و فلسفه ارسطو
۳۴۴	ایسوکرات در مورد بلاغت و جامعه
۳۴۸	پادشاهی مقدونیه و فیلیپ دوم
۳۵۵	فتوحات اسکندر بزرگ
۳۶۰	به هند و بازگشت
۳۶۹	فصل ۱۰ عصر هلنیستی
۳۷۱	ایجاد پادشاهیهای هلنیستی
۳۷۶	دفاع و اداره پادشاهیهای هلنیستی
۳۸۲	اقتصاد و جامعه در پادشاهیهای هلنیستی
۳۸۸	ادبیات و هنر یونانی عصر جدید
۳۹۴	ایدههای جدید در فلسفه و علم
۴۰۲	ادیان هلنیستی
۴۰۹	پایان پایان به عنوان یک آغاز
۴۱۳	مطالب پیشنهادی
۴۱۳	متون باستانی
۴۱۹	مجموعهای از منابع
۴۲۰	مطالعات مدرن
۴۳۱	نمایه

دیباچه مترجم

کتاب *یونان باستان از ماقبل تاریخ تا دوران هلنیستی*، اثر توماس مارتین، استاد تاریخ جهان باستان است که پنجاه سال از عمر خود را صرف آموزش و پژوهش تاریخ یونان و روم کرد. نویسنده، در نوشتن این کتاب، خود را مدیون دانشجویان و اساتیدی می‌داند که در طول سالیان تدریس درس تاریخ یونان و روم، پرسش‌هایی مطرح کرده‌اند که مدام ذهن وی را درگیر تاریخ یونان باستان کرد. افزون بر این، از آنجایی که توماس مارتین ویرایش اولیه این کتاب را، برای بیش از یک دهه به عنوان بخشی از کتابخانه دیجیتال پرسئوس، تحت عنوان *مروری بر تاریخ باستانی یونان از میسنی تا اسکندر*، در سال ۱۹۹۶ به صورت آنلاین منتشر و مورد اقبال میلیون‌ها خواننده در سراسر جهان قرار گرفت، در نتیجه این استقبال پر شور و سال‌ها تجربه نویسنده در آموزش و مطالعه تاریخ یونان باستان، این اثر، با در نظر گرفتن آخرین دستاوردهای علمی در حوزه تاریخ و باستان‌شناسی یونان باستان، در سال ۲۰۱۳ میلادی منتشر شد تا پاسخگو و راهنمای خوبی برای افزایش دانش دانشجویان و پاسخی به پرسش‌های خوانندگان علاقه‌مند به تاریخ باشد.

نویسنده، در نگارش این اثر از متون باستانی اعم از ادبی، مستند، کتبی یا سکه‌شناسی، برای کمک به خوانندگان در یافتن قسمت‌هایی از منابع اولیه، که در متن این کتاب گنجانده شده است، استفاده می‌کند و با استفاده از سیستم‌های مرجع استاندارد داخلی آن منابع، که در نسخه‌های علمی مدرن مرسوم هستند و در بسیاری از ترجمه‌های مدرن استفاده

می‌شود، استناد می‌کند. افزون بر این، نویسندگان به تحقیقات پسا کلاسیک یا مدرن در مورد این منابع باستانی و تاریخی که آن‌ها توصیف می‌کنند، در متن کتاب اشاره می‌کند و نقل قول‌های جاسازی شده منابع ثانویه حاوی نام نویسنده یا عنوان کوتاهی با شماره صفحه مربوطه را می‌آورد و در مورد اشیاء فهرست‌بندی شده مانند کتیبه‌ها یا سکه‌ها، به همین ترتیب عمل می‌کند. در انتها نیز اطلاعات کامل کتاب‌شناختی در مورد ترجمه‌های مدرن منابع اولیه و منابع ثانویه، برای مطالعه و آگاهی بیشتر درباره تاریخ یونان باستان، به خواننده ارائه می‌دهد.

نویسنده در متن کتاب، تاریخ‌گذاری‌هایی را که، به عنوان قبل از میلاد یا بعد از میلاد، مشخص نکرده‌اند، به عنوان قبل از میلاد در نظر می‌گیرد. اما تاریخ‌گذاری‌هایی را که در داخل پرانتز پس از نام شخص قرار داده‌اند، به ترتیب تاریخ تولد و مرگ را نشان می‌دهند، در غیر این صورت قبل از آن از فعل «حکوت کرد» استفاده کرده، که نشان‌دهنده تاریخ سلطنت است.

در سخن پایانی، بر خود فرض می‌شمارم، به رسم ادب و احترام، از مدیر انتشارات شفیع، که با گشاده‌رویی هرچه تمام‌تر زمینه پذیرش و انتشار این اثر فاخر را به مانند انتشار کتاب سایر آثار فراهم کردند، تشکر و قدردانی کنم و توفیقات روزافزون از حضرت باری تعالی برای تمامی خادمان فرهنگی این مرزو بوم مسئلت نمایم. در پایان، بیش از همه در ترجمه این اثر، وامدار و مرهون زحمات بی‌مزد و منت همسر عزیزم در ویراستاری این اثر هستم و از دختر نازنینم آوا، که تمامی لحظه لحظه عمرم را به چشمان معصومش بدهکارم و حاضرم در برابر نگاهش، تمامی گنجینه با ارزشی را که دارم برای غارت چشمانش آزاد بگذارم، تا همه بدانند من برای همیشه‌ی تاریخ، کیش و مات چشمان معصومش شده‌ام.

محمد ملکی

ارومیه

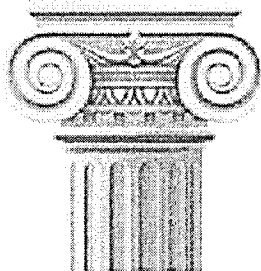
مهرماه ۱۴۰۱ خورشیدی

اختصارات

- CAF* Theodorus Kock. *Comicorum Atticorum Fragmenta* (Leipzig, Germany: Teubner, 1880–1888; reprint, Utrecht, Netherlands: HES, 1976).
- D.-K.* Hermann Diels. *Die Fragmente der Vorsokratiker*. Ed. Walther Kranz. 11th ed. (Zurich: Weidmann, 1964).
- FGrH* Felix Jacoby. *Die Fragmente der griechischen Historiker* (Leiden, Netherlands: Brill, 1954–1964).
- GHI* Russell Meiggs and David Lewis, eds. *A Selection of Greek Historical Inscriptions to the End of the Fifth Century b.c.* (Oxford: Clarendon Press, 1988).
- IG* *Inscriptiones Graecae*. Vol. 4, 2nd ed.; vol. 1, 3rd ed. (Berlin: De Gruyter, 1929–; 1981–).
- OGIS* Wilhelm Dittenberger. *Orientis Graeci Inscriptiones Selectae* (Leipzig, Germany: S. Hirzel, 1903–1905; reprint, Hildesheim, Germany: Olms, 1970).

فصل ۱

پیشینه تاریخ یونان باستان



پائوسانیاس، نویسنده قرن دوم پس از میلاد، که خلاصه راهنمای معروف مکان‌ها در سراسر یونان را، به خاطر چالش و جذابیت تفکر در مورد اهمیت تاریخ یونان باستان، نوشت، می‌گوید «بیشتر چیزها در تاریخ یونان دستخوش نزاع شد» (راهنمای یونان، ۳، ۲، ۴). این شخص در آن زمان مورد مناقشه قرار گرفت زیرا پائوسانیاس یونانی، تحت امپراتوری روم زندگی می‌کرد و می‌نوشت، در آن موقع یونانی‌ها، به‌عنوان تابع امپراتور روم، دیگر از استقلالی که زمانی به آن افتخار می‌کردند و به شدت برای محافظت از آن می‌جنگیدند، برخوردار نبودند. یکی از اختلافاتی که روی آن تمرکز کرد این بود که چرا یونانی‌ها آزادی خود را از دست داده‌اند و زندگی به‌عنوان نوادگان اجداد با شکوه‌تر به چه معناست. امروزه، مطالعه تاریخ یونان باستان هنوز مملو از مناقشات در مورد چگونگی ارزیابی دستاوردها و شکست‌هایی است که داستان آن

به طور چشمگیری به معرض نمایش گذاشته شده است. از یک سو، دستاوردهای یونانیان در سازماندهی سیاسی نوآورانه، از جمله دموکراسی، تاریخ‌نویسی، ادبیات، نمایشنامه، فلسفه، هنر و معماری، شایسته توصیف برای قرن پنجم قبل از میلاد مسیح است. هرودت مورخ، در پاسخ به چرایی گنجاندن وقایع و افراد در کار پیشگامانه‌اش، توضیح می‌دهد که چون: آن‌ها «عجایب» بودند. از سوی دیگر، کاستی‌های یونانیان باستان، از جمله تداوم برده‌داری، محرومیت زنان از سیاست و عدم اتحاد آن‌ها برای حفظ استقلال، به همان اندازه چشمگیر و به شدت نگران‌کننده به نظر می‌رسد. برای من، پس از نزدیک به چهل سال مطالعه، تدریس و نوشتن در مورد یونان باستان، این موضوع با همه تنوع آن جذاب - و اغلب گیج‌کننده - باقی مانده، زیرا الهام بخش است. Awe، کلمه‌ای در انگلیسی، که از اسم یونانی باستان *achos* به معنای «درد روحی یا جسمی» گرفته شده است، البته می‌تواند دو معنای متضاد داشته باشد: «تعجب و تایید» یا «ترس و طرد». وقتی به یونان باستان و اختلافات تاریخی آن، که همچنان ادامه دارد، فکر می‌کنم، هر دو این واکنش‌ها را دارم.

یونان باستان موضوع گسترده‌ای در بر می‌گیرد، و این بررسی اجمالی، که به عنوان مقدمه‌ای مختصر نوشته شده است، لزوماً موضوعاتی را که دیگران بر آن تأکید دارند فشرده و حتی حذف می‌کند. هر زمان که ممکن است سعی می‌کند به خوانندگان علامت دهد که در پس ارائه و تفسیر رویدادها یا افراد، اختلافات جالبی وجود دارد، اما نمی‌تواند چیزی مانند درمان کامل ارائه دهد و همچنان به هدف اختصار دست می‌یابد. امید من این است که خوانندگان الهام بگیرند یا حداقل برانگیخته شوند تا خودشان شواهد را بررسی و از منابع باستانی شروع کنند. به همین دلیل، هر از چند گاهی در متن به آن منابع استناد می‌شود تا نگاهی اجمالی به دانش و لذت حاصل از مطالعه آن‌ها داشته باشد. فهرست گسترده‌ای از ترجمه‌های انگلیسی آن منابع در «خوانش‌های پیشنهادی» همراه با آثار علمی مدرن که گزارش‌های کامل‌تر و گاه تفاسیر

چالشی از موضوعات مهم، به‌ویژه مواردی که موجب اختلاف می‌شوند، ارائه شده است.

روایت این کتاب، نمای کلی دوره ماقبل تاریخ (به این دلیل نامیده می‌شود که هیچ سند مکتوب برای مستندسازی آن زمان‌ها وجود ندارد) تا عصر هلنیستی (اصطلاح مدرن برای قرون پس از مرگ اسکندر مقدونی در ۳۲۳ قبل از میلاد) را در بر می‌گیرد. از نظر جغرافیایی، تا آن‌جا که فضای محدود کتاب اجازه می‌دهد، مکان‌های درون و اطراف دریای مدیترانه را که یونانی‌ها در آن زندگی می‌کردند، پوشش می‌دهد. اکثر روایت مربوط به دوران کهن و کلاسیک (اصطلاحات مدرن برای بازه‌های زمانی از ۷۵۰ تا ۵۰۰ و ۵۰۰ تا ۳۲۳ قبل از میلاد به ترتیب) و سکونتگاه‌ها در قلمرو سرزمین اصلی یونان، به ویژه آتن است. مسلماً این پوشش تأکید سستی بر آن‌چه که مشهورترین رویدادها، شخصیت‌ها، نوشته‌ها، هنر و معماری یونان باستان باقی مانده‌اند را منعکس می‌کند. همچنین بیانگر این واقعیت اجتناب‌ناپذیر است که منابع باستانی باقی‌مانده برای این دوره چهارصد ساله، فراوان‌تر هستند و توسط محققان، عمیق‌تر از منابع دوره‌های اولیه و متأخر تاریخ یونان، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، اگرچه این عدم تعادل با اکتشافات و کارهای علمی مدرن در حال کاهش است. در نهایت، تمرکز این کتاب بیش از هر چیز بر عصر کلاسیک، نشان‌دهنده علاقه من به اعمال و افکار الهام‌بخش (در هر دو مفهوم مثبت و منفی) یونانیان در طی این چند قرن است.

یونان باستان، که از نظر جمعیت نسبتاً کم بود، تنها مقدار محدودی زمین مسطح و حاصلخیز کشاورزی داشت و هرگز به عنوان ملتی واحد، متحد نشد و مشتاقانه بسیاری از ایده‌ها و فناوری‌ها را از همسایگان پرشمار، مرفه و کمتر جناحی خود در خاور نزدیک (لبه جنوب غربی آسیا در انتهای شرقی دریای مدیترانه) پذیرفت و اقتباس کرد. یونانیان، با تکیه بر این الهامات دیگران، ایده‌ها و شیوه‌های خودشان را پرورش دادند، که برخی از آن‌ها هنوز هم، پس از هزاران سال، طنین‌انداز هستند.

همچنین، یونانیان باستان، مانند دیگر مردمان باستان، به چیزهایی اعتقاد داشتند و کارهایی انجام می‌دادند که بسیاری از مردم امروز آن‌ها را «شگفت‌انگیز»، به معنای منفور اخلاقی، می‌دانند. در این زمینه، با کسانی موافقم که گذشته را «کشور خارجی» مفهومی می‌دانند که عمده‌تاً توسط افرادی پرجمعیت می‌شود که می‌توانند به‌طور شگفت‌انگیزی «دیگر» به نظر برسند که اکثر مردم امروز به آن معتقدند، یا دست‌کم اعلام می‌کنند به این باور دارند که چه نوع فردی هستند و با چه معیارهای اخلاقی زندگی می‌کنند. همچنین، فکر می‌کنم که تحسین‌کنندگان مدرنیته گاهی اوقات برتری اخلاقی نابخردانه‌ای را در قضاوت‌های خود درباره دوران باستان ابراز می‌کنند، که تاریخ اخیر به ندرت شایسته آن است. نوشتن تاریخ، در هر صورت، ناگزیر مستلزم ارائه قضاوت‌هایی است، حتی اگر فقط در مورد مواردی که مورخ می‌خواهد قرار دهد و حذف کند، و امیدوارم که شک و تردید من در مورد این ادعا که زمان حال به مراتب «بهتر» از گذشته است، زمانی که گهگاه در این تاریخ‌ارزیابی‌های انتقادی ارائه می‌کنم، متناقض یا ریاکارانه به نظر نرسد. این قضاوت‌ها، با احساسی عمیق از فروتنی و آگاهی دقیق از این‌که چگونه ممکن است علامت را از دست بدهند، انجام می‌شود. این احساسات همراه با هیبت است که مطالعه تاریخ باستان مدام در من تجدید می‌کند.

دستاوردهای یونانی، که به نظر من بسیار چشمگیر است و شکست‌هایی که، غم‌انگیزترین به نظر می‌رسند، در آغاز قرن هشتم قبل از میلاد اتفاق افتاد، زمانی که یونان به تدریج از عصر تاریک خود - قرن‌ها ویرانی اقتصادی، کاهش جمعیت و خلاء سیاسی از حدود ۱۰۰۰ تا ۷۵۰ قبل از میلاد، شروع به بازیابی کرد. پیش از این، در عصر برنز، در هزاره دوم پیش از میلاد، زندگی در سراسر یونان در جوامع کاملاً سازمان‌یافته و مستقل که توسط خانواده‌های قدرتمند از طریق نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی «از بالا به پایین» اداره می‌شد، پایدار و نسبتاً مرفه بود. یونانیان با تحریک تجارت و تعاملات فرهنگی رو به رشد با مردمان سرزمین‌های همجوار با انتهای شرقی دریای مدیترانه، به آرامی تمدن

خود را بازسازی کردند، اما با انجام این کار، از شیوه‌های زندگی قبلی و زندگی هر کس دیگری در دنیای خود فاصله گرفتند: آن‌ها با سازماندهی خود در دولت‌شهرها، تقریباً به طور کلی قانون سلطنت را به عنوان «ارزش پیش فرض» برای ساختار جامعه انسانی و سیاست رد کردند. برای آن‌ها، هنجار جدید به مشارکت گسترده در تصمیم‌گیری توسط شهروندان مرد تبدیل شد که این امتیاز را با کمک به دفاع از جامعه به دست آوردند. برخی از یونانی‌ها، شگفت‌انگیزتر از همه، این اصل را با ایجاد دموکراسی اجرا کردند، اولین موردی که جهان تا به حال دیده بود (برخی از محققان ریشه‌های دموکراسی را در جوامع قبلی در شرق مدیترانه می‌بینند، اما شواهد قانع‌کننده نیستند زیرا، برای یک چیز، هیچ مفهومی از شهروندی را نشان نمی‌دهد). در آتن، اصل راهنمای حکومت دموکراتیک بدون توجه به ثروت، تولد یا موقعیت اجتماعی شهروند مرد، «برابری در برابر قانون» و «برابری گفتار» شد. این مفاهیم برابری، نشان-دهنده انحراف اساسی از انتظارات و هنجارهای معمول سیاست در دنیای باستان بود.

لازم به تأکید است که یونانیان از اجرای کامل اصل مشارکت کوتاهی کردند و آن را به شهروندان یا بردگان زن تعمیم ندادند. همانطور که ادبیات‌شان به طور چشمگیری نشان می‌دهد، آن‌ها به وضوح از استدلال-های منطقی که این ادعاها را نمی‌پذیرفت، که زنان و برده‌های هر دو جنس ذاتاً با فرودستی شناختی و نقص‌های اخلاقی مشخص می‌شوند و آن‌ها را از شرکت در اجتماع در کنار مردان ناتوان می‌کند، آگاه بودند. این ناتوانی در پذیرش و زندگی بر اساس مفاهیم کامل استدلال‌شان در مورد سیاست و قانون، به نظر من نقص اجتناب‌ناپذیری برای جامعه یونان باستان است. همانطور که مورخ انگلیسی قرن نوزدهم، معروف به لرد اکتون، در اظهار نظر در مورد اقدامات بی‌رحمانه پاپ‌ها و پادشاهان، خاطرنشان کرد که «قدرت به فساد گرایش دارد و قدرت مطلق به طور کامل فساد می‌کند» (مقالات و مطالعات تاریخی، ص ۵۰۴). مردان اکثریت قدرت را در یونان باستان در دست داشتند و این امر باعث فساد

آن‌ها شد، همانطور که در نهایت هرکسی در هر دوره‌ای که آن را اجرا می‌کرد، چنین می‌شد.

اینکه یونانیان باستان وجود ایده‌هایی را که در تضاد با شیوه‌های آن‌ها هستند به رسمیت می‌شناختند، آنقدرها هم که به نظر می‌رسد شگفت‌انگیز نیست، زیرا فیلسوفان، دانشمندان و نویسندگان ادبی آن‌ها در انجام آنچه می‌توانیم «آزمایش‌های فکری» در مورد ماهیت جهان و انسان‌ها بدانیم، بینش بی‌وقفه‌ای از خود نشان دادند. بیان عقاید یونانی‌ها در شعر، نثر، و نمایشنامه به‌خاطر درخشندگی و پیامدهای گاه نگران‌کننده‌شان، شایسته شهرت است. سایر تمدن‌های باستانی، از خاور نزدیک گرفته تا هند و چین، نیز نظریه‌های علمی و فلسفی قابل‌توجهی را توسعه دادند و یونانی‌ها مطمئناً به رتبه اول این شرکت برجسته تعلق دارند. همین ارزیابی برای ادبیات یونانی، نمایشنامه، نگارش تاریخ، هنر و معماری موجه است. ارزیابی ارزش‌ها و شیوه‌های یونان باستان در مورد آن دو حوزه بحث‌برانگیز تجربه و اعتقاد بشر - مذهب و جنسیت - دشوارتر است. همانطور که از بحث در مورد آن موضوعات بعداً در این کتاب مشخص خواهد شد، تفاوت‌های قابل‌توجهی بین سنت‌های مذهبی و جنسی یونان باستان و آنچه که اکثریت مردم امروز معتقدند و انجام می‌دهند وجود دارد.

تاریخ یونان باستان، به همه این دلایل و موارد دیگر، بینش‌های شگفت‌انگیزی را در مورد امکانات و محدودیت‌های وجود انسان و فرصت‌های متعددی برای کشف و تأمل در مورد گذشته و حال ارائه می‌دهد، که بخشی از روایت را تشکیل می‌دهند و باید دنبال شوند؛ به نظر من نه تنها ذاتاً جالب است، بلکه فکر کردن با آن نیز خوب است، همچنان که کلود لوی استراوس، انسان‌شناس مشهور فرانسوی، در تفسیر این که چرا انسان‌ها گونه‌های حیوانی را توتم می‌شناسند، گفت، به این معنا که اجداد افسانه‌ای که گمان می‌رفت فرزندان‌شان ویژگی‌هایشان را به ارث برده‌اند و باید در تعریف زندگی‌شان به خاطر بسپارند (توتمیسم، ص ۸۹).

منابع و شواهد

بهترین راه برای یادگیری تاریخ یونان باستان و قضاوت شخصی این است که ابتدا شواهد باستانی را مطالعه و سپس موضوعات خاص را با مراجعه به آثار تخصصی مطالعات مدرن دنبال کنید. مرسوم است که به ادبیات باستانی، کتیبه‌ها، اسناد نوشته شده بر روی پاپیروس، سکه‌ها، و بقایای باستان‌شناسی به عنوان منابع «اولیه» ارجاع داده شود، حتی زمانی که با تاریخی که به آن اشاره می‌کنند معاصر نیستند. در واقع، منابعی که محققان آن‌ها را به عنوان اولیه می‌دانند، می‌توانند به طور قابل ملاحظه‌ای دیرتر از وقایع یا افرادی باشند که برای آن‌ها شواهد ارائه می‌کنند، مانند کتیبه‌ای از سیرن که در بحث تأسیس مستعمرات در فصل ۴ ذکر شده است. سایر منابع اولیه، مانند کتیبه‌های قرن پنجم قبل از میلاد در مورد امور مالی امپراتوری به اصطلاح آتن (شکل ۱،۱)، شواهد مستقیمی درباره تاریخ در زمان تولید آن‌ها ارائه می‌دهند. در هر صورت، منابع باستانی باقی‌مانده اولین جایی هستند که برای درک گذشته باید به آن رجوع کنیم و از این نظر همیشه اولیه هستند. درک آن‌ها ممکن است سخت باشد. اسناد باستانی، برای افرادی نوشته شده که می‌دانند آن متن کامل را کجا بکار ببرند، نه برای ما که نمی‌دانیم. هدف نویسندگان آثار ادبی، از جمله مورخان، ارائه گزارش‌های بی‌طرف و عینی از رویدادها و اشخاص نبوده است. در عوض، می‌خواستند از دیدگاه خاصی در مورد چیزها حمایت و مخاطبان خود را متقاعد کنند که تفسیرشان از رویدادها و انگیزه‌های افراد را بپذیرند. البته، نویسندگان مدرن نیز اغلب همین رویکرد را اتخاذ می‌کنند، اما کسانی از ما که امروز یونان باستان را مطالعه می‌کنیم، نه تنها باید مراقب آن‌چه که منبع باستانی می‌گوید، بلکه چرا آن را می‌گوید، باشیم.

آثار محققان مدرن، معمولاً به عنوان منابع «ثانویه» نامیده می‌شوند، حتی زمانی که برای درک، یا حتی در تصحیح شواهد به دست آمده از منابع اولیه، ضروری باشند. برای کمک به خوانندگان، در مراجعه به منابع باستانی، نقل‌قول‌هایی که در این مرور کلی به آن‌ها ارائه می‌شود،

در صورت امکان از سیستم‌های مرجع داخلی استفاده می‌کنند که اجازه می‌دهند یک متن بدون توجه به ترجمه مورد استفاده قرار گیرد (اگر آن ترجمه شامل سیستم مرجع باشد، که متأسفانه همه این کار را نمی‌کنند). بنابراین، برای مثال، نقل قولی از هرودت، تواریخ ۷،۲۰۵، که به عنوان مدرکی برای سیصد اسپارتی در نبرد ترموپیل در سال ۴۸۰ قبل از میلاد ذکر شده، به این معنی است که این عبارت در کتاب ۷، بخش ۲۰۵ آمده. (برای اشعار، استناد به شماره ردیف است، در صورت نیاز، قبل از شماره کتاب.) برای منابع ثانویه، استناد به شماره صفحه یا شماره فقره فهرست است.



شکل ۱،۱: کتیبه‌های روی سنگ، مانند این کتیبه از قرن پنجم قبل از میلاد، که به امور مالی اتحاد دریایی به رهبری آتن مربوط می‌شود، «منابع اولیه» برای بازسازی تاریخ یونان باستان است. در این دوره یونانیان چنین اسنادی را با تمام حروف بزرگ و بدون جدایی بین کلمات می‌نوشتند.

اکثر متون ادبی و مستند، از دوران باستان یونان باقی نمانده است، اما آن‌هایی که رسیده قابل توجه و تحریک‌کننده هستند. حماسه‌های هومر، *ایلیاد* و *ادیسه*، نشان‌دهنده اصلی‌ترین منابع اولیه باقی‌مانده از ادبیات برای تاریخ یونان باستان، برای یونانیان آن زمان و ما، در امروز هستند. محققان بحث می‌کنند که چگونه این اشعار طولانی به شکلی که در آن تا به امروز باقی مانده، رسیده است. برخی استدلال می‌کنند که آن‌ها از قرون متمادی اجراهای شفاهی روان و انعطاف‌پذیر توسط بسیاری از شاعران و آوازخوانان پدید آمده‌اند، و در نهایت در نسخه‌ای مکتوب در عصر باستان به ثبت رسیده‌اند. برخی دیگر بر این باورند که شاعر تنها شعرها را با استفاده از فن‌آوری نوشتن در قرن هشتم قبل از میلاد خلق کرده است، اما داستان‌های *ایلیاد* و *ادیسه* به عصر برنز بازمی‌گردند و در عین حال تاریخ عصر تاریکی را نیز منعکس می‌کنند. هر یونانی باستانی این آثار را به خاطر زیبایی هنری و درس‌های زندگی‌شان ارزشمند می‌دانست. مهم‌تر از همه، حماسه‌های هومر، ارزش‌ها و سنت‌های پایداری را در مورد ماهیت خدایان و شجاعت انسان، کنترل نفس، وفاداری، عشق و اندوه رمزگذاری می‌کنند. هزار سال بعد، مردم هنوز شعر هومر را حفظ می‌کردند. اشعار حماسی (بسیار کوتاه‌تر) هزیود، *تئوگونی* (تولد خدایان) و *کارها و روزها*، که احتمالاً در قرن هشتم قبل از میلاد سروده شده‌اند، قرار بود در مورد نقش خدایان در زندگی بشر، ماهیت عدالت و مشکلات ناشی از نابرابری‌های قدرت که یونانی‌ها به آهستگی شکل‌های جدیدی از زندگی سیاسی و اجتماعی را در دولت‌شهرها توسعه می‌دادند، درس‌هایی بیاموزند. شاعران غزل‌سرا و مرثیه‌گوی قرن هفتم، مانند آلكائوس، آلكمان، آرکیلوخوس، سافو و تیرتائوس، آثار کوتاه‌تری را برای گروه‌های کر و تک صدایی سروده‌اند که مضامین جمعی و فردی مرتبط با عصر تغییرات اجتماعی و سیاسی را معرفی می‌کند. باکیلیدس، پیندار و سیمونیدس در اواخر قرن ششم و قرن پنجم به دلیل اشعار استادانه خود، که اسطوره‌شناسی را با رویدادهای جاری در هم آمیخت و اغلب در ستایش فاتحان در مسابقات

ورزشی یا جنگ‌ها و فرمانروایان قدرتمند سروده‌اند، مشهور شدند. به اصطلاح «فیلسوفان نخست» - که به همان اندازه می‌توان آن‌ها را «متفکران علمی» نامید - در قرن ششم نیز اشعاری نوشتند که ماهیت نهفته و نامرئی واقعیت را بر اساس استدلال خود توصیف می‌کردند.

یونانیان، اندکی پس از آن، با تمرکز بر قوم‌نگاری، جغرافیا، و اسطوره، شروع به نثرنویسی کردند (کلمه یونانی *mythos* که به معنای داستان‌هایی در مورد گذشته‌های دور است که نسخه‌های رقابتی از پیامدهای روابط اغلب دشوار بین خدایان و انسان‌ها را ارائه می‌دهد). قدیمی‌ترین این آثار، جز در نقل قول‌ها و ترجمه‌های آزاد نویسندگان بعدی باقی نمانده است. با این حال، از اواخر قرن پنجم پیش از میلاد، ما *تواریخ* هرودت را داریم. با بیان داستان پیچیده پیشینه و رویدادهای جنگ گسترده بین ائتلافی از دولت‌شهرهای یونان و امپراتوری قدرتمند پارس در دهه‌های آغازین قرن پنجم، تاریخ بی‌سابقه هرودت، از طریق حجم بسیار زیاد آن (۵۰ درصد طولانی‌تر از *ایلیاد*)، گزارش‌های متنوع درباره مجموعه‌ای از یونانی‌ها و غیر یونانی‌ها به طور یکسان و پیچیدگی موضوعی آن در مورد انگیزه‌های انسانی، حس شگفتی ایجاد می‌کند. جنگ پلوپونزی اثر توکودید، که در طی آن درگیری طولانی (۴۳۱-۴۰۴ قبل از میلاد) سروده شد (اگرچه به پایان نرسید)، ژانر تاریخ معاصر را ایجاد کرد که توسط شاهد عینی نوشته شده بود. مشاهدات گزنده او در مورد میل انسان به قدرت و پیامدهای ناخواسته خشونت جنگ نیز به آغاز چیزی اشاره می‌کند که امروزه علوم سیاسی نامیده می‌شود. کسفن، در نسل بعدی، تاریخ توکودید را با نقل وقایع یونان ادامه داد، اما همچنین با تولید آثاری در مورد خدمات هیجان‌انگیز خود به عنوان سربازی مزدور در جنگ داخلی پارس، ویژگی‌های منحصر به فرد جامعه اسپارت، عقاید و رفتار خاص فیلسوف مشهور سقراط (۴۶۹-۳۹۹ قبل از میلاد) و بسیاری موضوعات دیگر به شهرت رسید.

همچنین، قرن پنجم شاهد خلق منابع اولیه بود که شاید امروزه بیشتر شناخته شده‌اند: نمایشنامه‌های نمایشنامه‌نویسان آتنی آیسخلوس،

سوفوکل، و اورپید. این تراژدی‌ها گاهی به تاریخ معاصر می‌پرداختند، اما عمدتاً طرح‌های خود را بر اساس بازگویی تخیلی از اسطوره‌هایی که مضامین آن‌ها با زندگی در جامعه یونانی معاصر مرتبط است، استوار می‌کردند. شخصیت‌ها و درگیری‌های احساسی که در این درام‌ها به تصویر کشیده می‌شوند، انگیزه جهانی بودن دارند که حتی برای اجرای امروز، آن‌ها را تازه نگه می‌دارد. نمایشنامه‌های فکاهی آریستوفان منبع اصلی جذاب و البته گاهی گیج‌کننده دیگری برای جامعه آتن قرن پنجم قبل از میلاد است. آریستوفان با توطئه‌های خارق‌العاده، تمسخر بی‌رحمانه و ناسزاگویی آشکار، معاصران خود را به سیخ می‌کشد، اجمالی آشکار از آنچه یونانی‌ها در مورد یکدیگر می‌گفتند، در حالی که به مودب بودن اهمیت نمی‌دادند.

از قرن چهارم، آثار افلاطون و ارسطو، فیلسوفان معروف این قرن آمده است. دیالوگ‌های فلسفی افلاطون، که به عنوان نمایش‌نامه مکالمات خیالی بین سقراط و معاصرانش نوشته شده، از آن زمان با مفاهیم خود الهام گرفته و متفکران را برانگیخته که حقیقت واقعیت پنهان و روح تنها بخش ارزشمند انسان است، و اینکه عدالت مستلزم این است که افراد از نظر اجتماعی در لایه‌هایی از مسئولیت‌ها و امتیازات مختلف طبقه‌بندی شوند. ارسطو، شاگرد افلاطون، که نسبت به معلمش رویکردی عملی‌تر به دانش و رفتار را مطرح می‌کرد، پس از آن و بعدها، با علایق و نوشته‌های دایره‌المعارفی‌اش، که موضوعات بیشتری را در علوم طبیعی، سیاست و اخلاق پوشش می‌داد، جهان را شگفت‌زده کرد. از همین قرن، سخنرانی‌های متعددی از آتن در مورد پرونده‌های حقوقی و بحران‌های سیاسی داریم، آثاری که جزئیات بسیاری از زندگی خصوصی و عمومی را آشکار می‌کنند. سخنان دموستن، به ویژه در به تصویر کشیدن خطر نظامی آتن که توسط قدرت رو به رشد پادشاهی مقدونیه در زمان فیلیپ دوم (۳۳۶-۳۸۲ قبل از میلاد) و پسرش اسکندر مقدونی (۳۲۳-۳۵۶ قبل از میلاد)، در میان شهروندان در مورد این که آیا برای دفاع از استقلال سیاسی خود همکاری کنند یا به جنگ بروند. منابع اولیه

باقی‌مانده برای زندگی حرفه‌ای تغییر جهان اسکندر، در حالی که در راه خود به هندوستان می‌جنگید، معاصر نیستند، اما نویسندگان دوره رومی آن‌ها (دیودوروس، کورتیوس، پلوتارک، آریان، یوستین) تصاویر و تفاسیر روشنی از این دوران پر از درگیری را، زمانی که سلطنت به عنوان سیستم سیاسی کنترل غالب در جهان یونان شروع به بازگشت کرد، حفظ کرده‌اند. زندگی‌نامه یونانیان باستان توسط پلوتارک، برای ما، منابع تاریخی بسیار مهمی است، اگرچه به صراحت آن‌ها را برای کشف شخصیت فردی با جفت کردن‌شان با زندگی رومی‌ها نوشته است. او صریحاً گفت که تاریخ نمی‌نویسد، اما ما باید از زندگی‌نامه‌هایش در این زمینه استفاده کنیم تا بتوانیم شکاف‌هایی را که منابع اولیه باقی‌مانده ایجاد کرده‌اند پر کنیم. بنابراین، خواندن پلوتارک یکی از جالب‌ترین چالش‌ها در ساخت و تفسیر تاریخ یونان باستان است. همین امر در مورد تعداد شگفت‌انگیز نقل قول‌هایی از منابع یونانی عصر کلاسیک که در اثر طولانی و گفتمانی به نام *ضیافت‌های آموخته‌شده* (*Deipnosophistae*) که آتئاتوس در قرن دوم پس از میلاد نوشت، حفظ شده است؛ تنوع موضوعات بسیار گسترده است، از غذا گرفته تا رابطه جنسی و جوک. به همان اندازه چالش‌برانگیز برای تفسیر و قرار دادن در بافت تاریخی مناسب، نقل قول‌هایی است که در منابع بعدی از نوشته‌های مورخان اولیه که در مورد آتن (به اصطلاح آتیدوگرافان) نوشته‌اند، به تنهایی باقی نمانده‌اند.

کمدی‌های مناندر از آتن نشان می‌دهد، در دنیای جدیدی که در زمان اسکندر در حال ظهور بود و در آن دولت‌شهرهای یونانی استقلال سیاسی خود را از دست می‌دادند، تماشاگران به جای طنز سیاسی گزنده-ای که مشخصه نمایشنامه‌های فکاهی در روزهای اولیه آزادی یونان از سلطه بیگانگان بود، کمدی‌های با ویژگی اپرای درباره هویت‌های اشتباه و عاشقانه را ترجیح می‌دادند. بازسازی دقیق داستان تاریخ یونان با دقت زمانی، در مطالعه قرون پس از مرگ اسکندر (عصر هلنیستی)، دشوار است، زیرا منابع روایی بسیار کمی باقی مانده است. البته شواهد کتیبه‌ها،

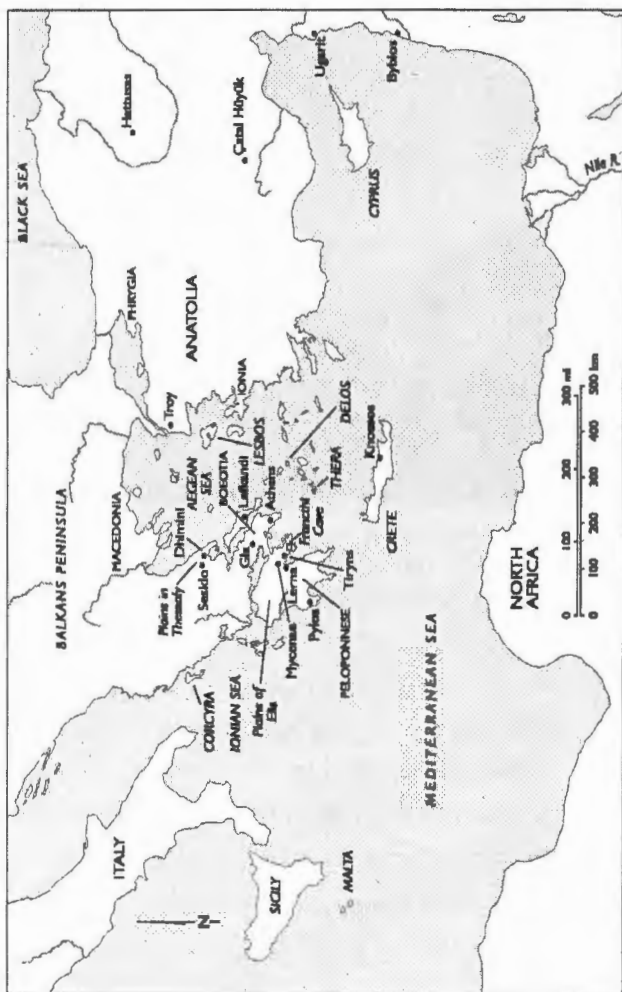
سکه‌ها و بقایای باستان‌شناسی در هر دوره بسیار مهم است، اما در طول قرن‌های تاریخ یونان پس از اسکندر، این گونه منابع، اکثریت قریب به اتفاق، آنچه را که می‌دانیم، ارائه می‌کنند. درک و تفسیر اشیاء فیزیکی، مانند متون باستانی، البته می‌تواند چالش‌برانگیز باشد، به خصوص زمانی که با هدف برقراری ارتباط مستقیم با افرادی که چیزی در مورد آن‌ها نمی‌دانند ایجاد نشده باشند. با این حال، آن‌ها به ما کمک می‌کنند تا اهمیت تغییرات در سیاست، جامعه، هنر، فلسفه و دین را که در فرهنگ یونانی رخ داد، به‌طوری که ابتدا حاکمان مقدونی در یونان، مصر و خاور نزدیک پادشاهی ساختند و سپس، رومیان این پادشاهی‌ها را فتح کردند تا به قدرت غالب در دنیای مدیترانه تبدیل شدند، بهتر بفهمیم. البته تاریخ یونان و زبان یونانی حتی پس از اینکه روم، یونانیان را در امپراتوری سرزمینی خود جذب کرد، ادامه داشت، اما برای اهداف این کتاب، داستان با مروری کوتاه بر تاریخ یونان هلنیستی پایان خواهد یافت.

محیط فیزیکی یونان

عمیق‌ترین پیشینه تاریخ یونان باستان در محیط فیزیکی و تأثیرات آن بر فرصت‌ها و محدودیت‌های زندگی در این بخش از منطقه مدیترانه نهفته است. موطن یونانیان باستان در بخش جنوبی شبه جزیره کوهستانی بالکان (امروزه قلمرو کشور مدرن یونان) و صدها و صدها جزیره در دریای اژه در شرق و دریای ایونی در غرب قرار داشت. اندازه جزایر در این بخش‌های دریای مدیترانه، از سرزمین‌های بزرگی مانند لسبوس (۶۳۰ مایل مربع مساحت) و کورکورا (۲۲۷ مایل مربع) تا جزایر کوچک مانند دلوس (۱٫۳ مایل مربع)، متفاوت بود. همچنین، یونانیان در سواحل غربی آناتولی (ترکیه امروزی)، تا جنوب در جزیره بسیار بزرگ کرت (۳۲۱۹ مایل مربع)، در قبرس حتی بزرگ‌تر (۳۵۷۲ مایل مربع) در شرق، در ساحل شمال آفریقا، و در جنوب ایتالیا و در سیسیل (منطقه‌ای که با نام لاتین *Magna Graecia* شناخته می‌شود)، زندگی می‌کردند. تقریباً

تمام مکان‌هایی که یونانیان در آن زندگی می‌کردند در معرض زلزله‌های ویرانگر قرار داشتند.

بر چشم‌انداز سرزمین اصلی یونان، زنجیره‌ای از کوه‌های ناهموار تسلط دارند و از دشت‌ها و دره‌هایی حصار می‌کشند که در آن جوامع می‌توانند خود را به لحاظ سیاسی از یکدیگر جدا نگه دارند و در عین حال ارتباطات تجاری و دیپلماسی را حفظ کنند. این کوه‌ها عمدتاً از شمال غربی به جنوب شرقی در امتداد شبه جزیره بالکان و با گذرگاه‌های باریکی که قلمرو یونان را به مقدونیه در شمال متصل می‌کند، کشیده شده‌اند. بلندترین آن، کوه المپ است که تقریباً ۱۰۰۰۰ فوت ارتفاع دارد (شکل ۱،۲). زمین بسیاری از جزایر دریای اژه نیز پر از صخره است. تنها حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از سرزمین اصلی قابل کشت بود، اما برخی از جزایر، آناتولی غربی، ماگنا گریسیا، و چند منطقه خوش‌اقبال سرزمین اصلی، به ویژه تسالی در شمال شرقی و مسنیا در جنوب غربی، شامل دشت‌هایی بود که به اندازه کافی جادار بودند تا از محصولات پر بار و حیوانات بزرگ چرا حمایت کنند. کمبود زمین هموار، پرورش گاو و اسب را در مقیاس بزرگ در بسیاری از مناطق رد می‌کرد. هنگامی که یونانیان برای اولین بار حیوانات را در اواخر عصر حجر اهلی کردند، خوک‌ها، گوسفندها و بزها رایج‌ترین دام شدند. در قرن هفتم قبل از میلاد مرغ اهلی از خاور نزدیک به یونان وارد شد.



Map 1. Neolithic, Minoan, and Mycenaean Periods



شکل ۱،۲: این منظره از طریق یک دره به سمت کوه المپ، بلندترین کوه یونان با ارتفاع نزدیک به ۱۰۰۰۰ فوت / ۳۰۰۰ متر می‌نگرد. یونانیان معتقد بودند که خدایان خانه خود را در اوج آن ساخته‌اند. مناطق کوهستانی بیشتر چشم انداز یونان را اشغال کرده است.

زمانی که یونانی‌ها کشاورزی را یاد گرفتند، بیشتر جو کشت می‌کردند که اصلی‌ترین رژیم غذایی یونانی‌ها بود. زمین به طور کلی فقیر، از محصولات این غلات به مراتب بهتر از گندم حمایت می‌کرد، که غذای خوشمزه‌تری می‌ساخت اما برای شکوفایی به زمین غنی‌تری نیاز داشت. سبزیجات ریشه‌ای و برخی از انواع غلات را می‌توان حتی در ماه‌های سردتر زمستان کاشت. سایر محصولات عمده انگور و زیتون بود. شراب رقیق‌شده با آب نوشیدنی مورد علاقه یونانی‌ها، در حالی که روغن زیتون منبع اصلی چربی رژیم غذایی بود و همچنین در میان بسیاری از مصارف دیگر، به عنوان یک ماده تمیزکننده برای حمام کردن و پایه‌ای برای عطر استفاده می‌شد. گوشت، که گران بود، به ندرت در وعده‌های غذایی یونانی نسبت به غذاهای فرهنگ‌های مدرن غربی ظاهر می‌شد. ماهی غذای محبوبی بود، اما در عین حال ممکن است کمیاب بوده باشد.

خط ساحلی یونان به قدری ناهموار بود که اکثر سکونتگاه‌ها در فاصله چهل مایلی دریا قرار داشتند و دسترسی آسان برای ماهیگیران و بازرگانان دریایی فراهم می‌کرد، اگرچه بندرهایی به اندازه کافی بزرگ برای محافظت از کشتی‌ها در هنگام طوفان، مانند بندر پیرئوس در آتن، نادر بود. بنادر مصر و سواحل شرقی مدیترانه مقاصد مورد علاقه بودند. رفتن به دریا با فناوری محدود دریایی در آن زمان، آب و هوای بد را به تهدیدی جدی برای زندگی تبدیل و بادهای غالب و تندبادهای شدید، دریانوردی در زمستان را تا حد زیادی محدود می‌کرد. ملوانان، حتی در شرایط آرام، تا حد امکان ساحل را در آغوش می‌گرفتند و هر شب برای ایمنی هدف فرود می‌آمدند. دزدان دریایی نیز تهدید بودند. با این وجود، کارآفرینان یونانی، به دلیل تمایل به کسب سود از تجارت بین‌المللی، خطرات دریا را به جان خریدند تا در سراسر دریای مدیترانه حرکت کنند. هزیود در جمع‌بندی این وضعیت اظهار داشت که بازرگانان به دریا می‌رفتند «زیرا درآمد برای انسان‌های بدبخت به معنای زندگی است، اما مرگ در میان امواج سرنوشتی وحشتناک است» (کارها و روزها، خطوط ۶۸۶-۶۸۷).

بیشتر یونانی‌ها، حتی اگر در نزدیکی دریا زندگی می‌کردند، هرگز خیلی دور از خانه سفر نمی‌کردند. با این حال، سفرهای دریایی تجاری نقشی اساسی در توسعه فرهنگ یونان ایفا می‌کرد، زیرا بازرگانان و کارآفرینانی که بین خاور نزدیک، مصر و یونان سفر می‌کردند، یونانیان را با تمدن‌های قدیمی‌تر منطقه مدیترانه شرقی در تماس قرار می‌دادند و از آنجا فناوری‌های جدید را می‌آموختند؛ عقاید در مورد دین، فلسفه و علم؛ و سبک‌های هنری. حمل و نقل مردم و کالاها از طریق زمین به جای دریا، بسیار کند و پرهزینه بود زیرا مسیرهای خاکی ابتدایی، تنها جاده یونان بودند. رودخانه‌ها عملاً برای تجارت و ارتباطات بی‌فایده بودند، زیرا بیشتر آن‌ها، اگرچه شاید به اندازه امروز نبودند، در اکثر ماه‌های هر سال که باران کم می‌بارید یا اصلاً باران نمی‌بارید، به شدت کاهش می‌یافتند. الوار برای ساخت خانه‌ها و کشتی‌ها، فراوان‌ترین منبع

طبیعی زمین‌های کوهستانی سرزمین اصلی بود، اما جنگل‌زدایی احتمالاً قبلاً بسیاری از مناطق را تا قرن پنجم قبل از میلاد تحت تأثیر قرار داد. در آن زمان یونانیان سرزمین اصلی، الوار را از مناطق شمال وارد و بهای گزافی برای آن پرداخت می‌کردند. برخی از ذخایر سنگ فلزی، به ویژه آهن، در سراسر قلمرو یونان پراکنده بود، و همچنین خاک رس برای ساخت گلدان و سایر ظروف کاربرد داشت. معادن سنگ‌های ظریف مانند سنگ مرمر، مواد مبله برای ساختمان‌های گران قیمت و مجسمه‌سازی. توزیع نامنظم این منابع برخی از مناطق را به میزان قابل‌توجهی از سایرین ثروتمندتر کرد. برای مثال، معادن نقره در قلمرو آتن، درآمدی را به وجود آورد که از رونق استثنایی عصر طلایی آتن در قرن پنجم حمایت کرد.

هواشناسان مدرن از آب و هوای یونان به عنوان مدیترانه یاد می‌کنند، به این معنی که زمستان‌های پر از باران‌های شدید متناوب و تابستان‌ها با هوای گرم و خشک پخته می‌شود. بارندگی، به طور قابل‌توجهی متفاوت است، با سنگین‌ترین (حدود ۵۰ اینچ سالانه به طور متوسط امروز) در امتداد سمت غربی شبه جزیره بالکان، در حالی که منطقه شرقی، که آتن در آن واقع شده است، بارندگی بسیار کمتری دریافت می‌کند (۱۶ اینچ در سال). کشاورزان یونانی با ترس از خشکسالی و سیل، چرخه نامطمئنی از رونق و رکود را تحمل می‌کردند. یونانیان، با این وجود، معتقد بودند که آب و هوای آن‌ها بهترین است. ارسطو، که آب و هوا را تعیین‌کننده سرنوشت سیاسی می‌دانست، معتقد بود که «یونانیان در موقعیت متوسط [بین آب و هوای سرد و گرم] قرار دارند و به همین ترتیب از انرژی و هوش برخوردارند. به همین دلیل آن‌ها آزادی خود را حفظ می‌کنند و بهترین نهادهای سیاسی را دارند. در واقع، اگر آن‌ها می‌توانستند وحدت سیاسی را بین خودشان به وجود آورند، قادر می‌شدند بقیه جهان را کنترل کنند» (Politics 7.7, 1327b29-33).

همانطور که ارسطو اشاره کرد، یونانیان باستان در طول تاریخ خود هرگز ملتی را به معنای امروزی تشکیل ندادند، زیرا ایالت‌های مختلف

مستقل آن‌ها هرگز از نظر سیاسی متحد نشدند. در واقع، آن‌ها اغلب با یکدیگر جنگ می‌کردند. از سوی دیگر، یونانی‌ها خود را دارای هویت فرهنگی می‌دانستند، زیرا به لهجه‌های یک زبان صحبت می‌کردند، آداب و رسوم مشابهی داشتند، خدایان یکسانی را می‌پرستیدند (با تنوع محلی در فرقه‌ها)، و در جشنواره‌های مذهبی بین‌المللی، مانند جشن اسرار الهه دمتز در آتن یا بازی‌های ورزشی در المپیا در پلوپونز گرد هم می‌آمدند. بنابراین، یونان باستان مجموعه‌ای از ایده‌ها و شیوه‌های مشترک بود تا موجودیت سرزمینی یا ملی، که به شدت مرزبندی می‌شد. این که این حس هویت فرهنگی یونانی چگونه به وجود آمد و چگونه در طول قرن‌ها حفظ شد، سؤالات دشواری است که باید دائماً در ذهن داشت. واضح است که توپوگرافی کوهستانی آن به تجزیه سیاسی یونان کمک کرد.

کشاورزی پیش از ما قبل تاریخ

پیشینه تاریخی ماقبل تاریخ یونانی متعلق به عصر حجر است، به این دلیل که مردم آن زمان عمدتاً سنگ داشتند، علاوه بر استخوان و چوب، که از آن ابزار و اسلحه می‌ساختند؛ آن‌ها هنوز فناوری ساخت وسایل از فلزات را توسعه نداده بودند. مهم‌تر از همه، در این مرحله، بشر هنوز نمی‌دانست که چگونه محصولات را کشت کند. هنگامی که مردم در نهایت اقدام به توسعه فناوری کشاورزی نمودند، تغییرات عظیمی را در زندگی خود تجربه و شروع به تأثیرگذاری بر محیط طبیعی به روش‌های بی‌سابقه‌ای کردند.

عصر حجر به طور معمول به عصر پارینه سنگی (به یونانی به معنای «سنگ قدیم») و نوسنگی («سنگ جدید») تقسیم می‌شود. در طی صدها هزار سال از دوره پارینه سنگی، انسان‌ها در طول زندگی خود پرسه می‌زدند و با شکار جانوران، ماهیگیری، جمع‌کردن صدف‌ها و گردآوری گیاهان، میوه‌ها و آجیل، به دنبال غذا در طبیعت می‌گشتند. این انسان‌های اولیه که به عنوان شکارچی-جمع‌آور، زندگی می‌کردند، گاهی اوقات از

فواصل دور مهاجرت می کردند، احتمالاً حیوانات شکار بزرگ را دنبال یا در جستجوی منابع فراوان تر گیاهان وحشی مغذی بودند. اولین انسان-های یونان، احتمالاً مدت ها پیش از قاره آفریقا از طریق شرق مدیترانه و آناتولی به آنجا مهاجرت کردند. قدمت جمجمه ای که در غار پترالونا در یونان پیدا شده است، حداقل به دویست هزار سال قبل از زمان حال می-رسد. دست کم پنجاه هزار سال پیش، نوع انسان های پارینه سنگی معروف به نئاندرتال ها (از یافته های بقایای آنها در دره نئاندر آلمان) در مقدونیه و سپس به یونان تا جنوب دشت الیس در شبه جزیره پلویونز گسترش یافتند. مردم از نوع مدرن (*انسان خردمند*)، در آخرین بخش از دوره پارینه سنگی شروع به مهاجرت از آفریقا به اروپا کردند. این جمعیت جدید در نهایت به طور کامل جایگزین جمعیت های قبلی، مانند نئاندرتال ها شد؛ چگونگی این اتفاق، ناشناخته باقی مانده است. شاید تازه واردان بهتر می توانستند با بلایای طبیعی کنار بیایند، مانند سیل های عظیمی که دشت های تسالی را برای سال های متمادی، که از حدود سی هزار سال قبل از امروز شروع شد، پوشانده بود.

حدود ۴۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ سال پیش: <i>انسان خردمند</i> برای اولین بار از آفریقا به جنوب غربی آسیا و اروپا نقل مکان کرد.
حدود ۲۰۰۰۰ سال پیش: سکونت انسان در غار فرانکشی در جنوب شرقی یونان آغاز شد.
حدود ۱۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰ قبل از میلاد: گذار از عصر پارینه سنگی به عصر نوسنگی آغاز کشاورزی و سکونتگاه های دائمی است.
حدود ۷۰۰۰ تا ۶۰۰۰ قبل از میلاد: کشاورزی و اهلی کردن حیوانات در جنوب و شرق اروپا، از جمله یونان.
حدود ۷۰۰۰ تا ۵۰۰۰ قبل از میلاد: سکونتگاه های خانه های دائمی در دشت های حاصلخیز یونان ساخته شد
حدود ۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰ قبل از میلاد: متالورژی مس در منطقه بالکان در حال انجام است.

شکارچیان باستانی، که احتمالاً از قوانین، قضاات و سازمان سیاسی به معنای امروزی بهره‌ای نداشتند، به این معنا نیست که آن‌ها فاقد اشکال سازماندهی اجتماعی، مقررات و کنترل بودند. برخی از گورهای پارینه سنگی حاوی سلاح، ابزار، مجسمه حیوانات، مهره‌های عاج و دستبند، نشان می‌دهند که شکارچیان تفاوت‌های اجتماعی را در بین افراد تشخیص می‌دهند و موقعیت اجتماعی خاص فرد را می‌توان با داشتن کالاهای گران‌تر یا دقیق‌تر مشخص کرد. همانطور که داشتن مقداری از این کالاها در زندگی نشان می‌داد که افراد در گروه‌های خود از ثروت، قدرت یا موقعیت برتر برخوردارند، دفن کردن کالا با جسد نیز نشان‌دهنده اعتبار فرد بود. بر این اساس، به نظر می‌رسد که برخی از گروه‌های پارینه سنگی خود را نه در امتداد خطوط برابری خواهانه، بلکه در سلسله مراتب، نظام‌های اجتماعی، که افراد خاصی را مهم‌تر و مسلط‌تر از دیگران می‌شمردند، سازماندهی می‌کردند. بنابراین، در همین دوره اولیه ما ردپایی از تمایز اجتماعی (علامت‌گذاری افراد خاص به عنوان ثروتمندتر، محترم‌تر، یا قدرتمندتر از دیگران در گروه خود) را می‌یابیم، ویژگی زندگی بشری که مشخصه جامعه یونانی بعدی است، همانطور که هر جامعه‌ای در دوران تاریخی دارد.

دگرگونی زندگی روزمره در عصر نوسنگی

زندگی روزمره، همانطور که یونانیان باستان می‌دانستند، به کشاورزی و اهلی کردن حیوانات بستگی دارد، نوآوری‌هایی که به تدریج ریشه در حدود ده تا دوازده هزار سال پیش در آغاز عصر نوسنگی داشتند. روند به دست آوردن این دانش، که قرار بود زندگی بشر را به طور اساسی تغییر دهد، بیش از چندین هزار سال طول کشید. حفاری‌ها در محل غار فرانکشی در یونان روند تدریجی انطباق با تغییرات طبیعی را، که جمعیت‌های ماقبل تاریخ با آموختن کشاورزی متحمل شدند، آشکار کرد. شکارچیان برای اولین بار حدود بیست هزار سال قبل از زمان حال در این منطقه در نزدیکی سواحل جنوب شرقی یونان ظاهر شدند. در آن

زمان غار که برای سرپناه استفاده می‌شد، حدود سه تا چهار مایلی از ساحل فاصله داشت و مشرف به سرسبزی دشتی با پوشش گیاهی بود. اسب‌ها و گاوهای وحشی در آنجا به چرا مشغول بودند و شکار آسانی را فراهم می‌کردند. در طول حدود دوازده هزار سال بعد، سطح دریا به تدریج بالا رفت، شاید در نتیجه تغییرات آب و هوایی، تا اینکه تنها نوار باریکی از مرداب و ساحل به عرض حدود یک کیلومتر، غار را از خط ساحلی جدا کرد. از آنجایی که دیگر حیوانات بزرگ برای شکار در این نزدیکی در دسترس نیستند، ساکنان غار فرانکشی اکنون رژیم غذایی خود را بر اساس غذاهای دریایی و به ویژه گیاهان وحشی مانند عدس، جو دو سر، ماشک تلخ و گلابی که از دره‌ها و دامنه‌های تپه‌های اطراف جمع‌آوری شده‌اند، می‌دانند.

از آنجایی که جمعیت شکارچی-گردآورنده برای بقای خود به طور فزاینده‌ای به گیاهان وابسته شدند، ایجاد یک منبع قابل اعتماد مشکل شد. پاسخی که هزاران سال آزمون و خطای مکرر برای یادگیری آن طول کشید، کاشت بخشی از بذره‌های محصول برای تولید محصول دیگر بود. دانش این فناوری انقلابی - کشاورزی - ابتدا نه در یونان بلکه در خاور نزدیک پدیدار شد و به آرامی به بیرون گسترش یافت. شواهد از غار فرانکشی و دشت‌های تسالی نشان می‌دهد که فناوری جدید در حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد به یونان رسیده است. اینکه چگونه به آنجا راه پیدا کرد، هنوز یک معمای جذاب است که باید حل شود. یکی از بسیاری از عوامل مؤثر ممکن است تماس بین مناطق مختلف، ناشی از سفرهای بازرگانان و کارآفرینان باشد که در سرتاسر دریای مدیترانه در جستجوی مواد و بازارهایی برای کسب سود بودند.

با هر روشی که از طریق آن دانش کشاورزی گسترش یافت، زنان عصر نوسنگی احتمالاً نقش اصلی را در ابداع فناوری و ابزارهای مورد نیاز برای تمرین آن، مانند میله‌های حفاری و سنگ‌های سنباده، داشتند. به هر حال، زنان در جامعه شکارچی-گردآورنده بیشترین دانش را در مورد گیاهان داشتند، زیرا آن‌ها جمع‌آوری کننده اصلی این غذا بودند. در

اولین تاریخ کشاورزی، زنان بیشتر کار کشاورزی را انجام می‌دادند، در حالی که مردان همچنان به کار شکار می‌پرداختند، اگرچه زنان شکار کوچک‌تری را نیز با استفاده از تور شکار می‌کردند. در همین دوره انتقالی، مردم همچنین یاد گرفتند که حیوانات را برای غذا پرورش دهند و گله کنند، بنابراین، گوشتی را که قبلاً توسط شکار پستانداران بزرگ که بسیاری از آن‌ها منقرض شده بودند، تامین می‌شد، جایگزین کردند. گوسفند، اولین حیوانی بود که به عنوان منبع گوشت، که به حدود ۸۵۰۰ سال قبل از میلاد در خاور نزدیک مرتبط است، اهلی شد. (سگ‌ها خیلی زودتر اهلی شده بودند اما معمولاً خورده نمی‌شدند). گوسفندها و بزهای اهلی در حدود ۷۰۰۰ سال در سراسر خاور نزدیک و جنوب اروپا از جمله یونان گسترده شده بودند. در این مرحله اولیه اهلی‌سازی، گله‌های کوچکی که در نزدیکی خانه نگهداری می‌شدند، قانده شدند. بنابراین می‌توانند توسط مردان، زنان و کودکان به طور یکسان مورد مراقبت قرار گیرند.

تولید غذا، به جای صرفاً جمع‌آوری، پایه و اساس تغییرات دیگری را ایجاد کرد که ما امروز آن‌ها را بدیهی می‌دانیم. برای مثال، برای موفقیت در کشاورزی، مردم باید در مکان‌های مسکونی زندگی می‌کردند و دهکده‌های کشاورزی در خاور نزدیک در اوایل ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح شکل گرفتند. جوامع دائمی کشاورزان، شامل محیط ساخته شده با جمعیت متراکم، مرحله جدیدی در تاریخ بشریت را تشکیل دادند. روستاهای نوسنگی در مقدونیه و در جنوب یونان در تسالی و بوئوتیا در طول دوره ۷۰۰۰ تا ۵۰۰۰ رشد کردند و در دشت‌های مناسب برای کشاورزی متمرکز شدند. خانه‌های این سکونت‌گاه‌های اولیه عمدتاً خانه‌های تک‌اتاقی و مستقل به شکل مستطیل تا حدود چهل پا بود. در سسکلو در تسالی، برخی از خانه‌های نوسنگی دارای زیرزمین و طبقه دوم بودند. خانه‌های یونانی در این دوره معمولاً با اسکلت چوبی پوشیده شده با خشت، ساخته می‌شدند، اما برخی از آن‌ها پایه‌های سنگی داشتند که از آجر گلی (یک مصالح ساختمانی رایج در خاور نزدیک) پشتیبانی

می‌کردند. اهالی از یک در وارد می‌شدند و در تنور سفالی غذا می‌پختند. سکونت‌گاه‌هایی مانند سکونتگاه‌های سسکلو یا دیمینی در تسالی، جمعیت‌هایی چند صد نفری را در خود جای داده بودند. در دیمینی مجموعه‌ای از دیوارهای کم ارتفاع شهرک را احاطه کرده بود. در هزاره سوم، خانه‌های بزرگی در یونان ساخته می‌شد، مانند لرنایا در منطقه آرگولید، جایی که به اصطلاح خانه کاشی‌ها، سقفی از کاشی‌های پخته داشت که ساختمانی چند طبقه را می‌پوشاند. هیچ سندی در مورد اعتقادات مردمی که در این جوامع زندگی می‌کردند وجود ندارد: فناوری نوشتن هنوز در یونان شناخته شده نبود. مجسمه‌هایی مانند مجسمه مردانه با اندام تناسلی آشکار (شکل ۱،۳) نشان می‌دهد که آیین‌هایی برای اطمینان از تولید مثل انسان برای روستاییان مهم بوده است. گسترش جمعیت راهی برای قوی‌تر شدن جامعه بود.